

فصل ۱

تحلیل تطبیقی

خلاصه فصل:

این فصل به تحلیل تطبیقی تاریخ سیاسی فرانسه از سه منظر می‌پردازد: نخست، مقایسه درونی میان رژیم‌های مختلف فرانسه از ۲۰۲۴ تا ۱۷۸۹؛ دوم، شناسایی الگوهای تکرارشونده در این تاریخ پرفرازونشیب؛ و سوم، مقایسه بیرونی با مسیرهای تحول سیاسی در کشورهای دیگر، بهویژه انگلستان، آلمان و ایالات متحده.

پرسش‌های محوری:

- چرا فرانسه ۱۵ رژیم مختلف داشته، در حالی که انگلستان همان پارلمان را حفظ کرده؟
 - آیا الگویی در انقلاب‌های فرانسه وجود دارد؟
 - چه عواملی ثبات یا بی‌ثبات رژیم‌ها را تعیین کرده‌اند؟
 - «استثنای فرانسوی» چیست و آیا واقعی است؟
- رویکرد: تحلیل ساختاری، نهادی، فرهنگی و تطبیقی.

۱.۱ مقایسه رژیم‌های فرانسه

۱.۱.۱ فهرست رژیم‌ها از ۱۷۸۹

محاسبه:

در ۲۳۵ سال (۲۰۲۴-۱۷۸۹)، فرانسه ۱۵ رژیم مختلف داشته است—یعنی به‌طور میانگین هر ۷.۱۵ سال یک رژیم جدید. البته این میانگین گمراه‌کننده است، زیرا جمهوری سوم (۷۰ سال) و پنجم (۶۶ سال) بخش بزرگی از این دوره را پوشش می‌دهند.

۱.۱. مقایسه رژیم‌های فرانسه

جدول ۱.۱: رژیم‌های فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۲۰۲۴

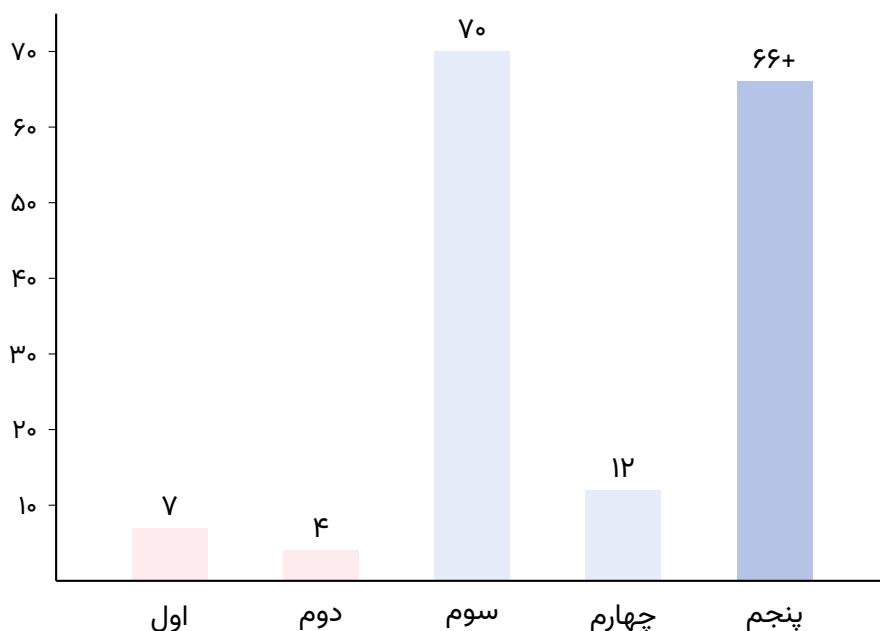
ش. رژیم	سلطنت مشروطه	دوره	مدت	پایان
۱ سلطنت مشروطه	جمهوری اول	۱۷۹۲-۱۷۸۹	۳ سال	انقلاب
۲ جمهوری اول	کنسولگری	۱۷۹۹-۱۷۹۲	۷ سال	کودتا
۳ کنسولگری	امپراتوری اول	۱۸۰۴-۱۷۹۹	۵ سال	تبديل به امپراتوری
۴ امپراتوری اول	بازگشت بوربون (اول)	۱۸۱۴-۱۸۰۴	۱۰ سال	شکست نظامی
۵ بازگشت بوربون (اول)	صد روز	۱۸۱۵-۱۸۱۴	۱ سال	صد روز
۶ صد روز	بازگشت بوربون (دوم)	۱۸۱۵	۱۰۰ روز	شکست نظامی
۷ بازگشت بوربون (دوم)	سلطنت ژوئیه	۱۸۳۰-۱۸۱۵	۱۵ سال	انقلاب
۸ سلطنت ژوئیه	جمهوری دوم	۱۸۴۸-۱۸۳۰	۱۸ سال	انقلاب
۹ جمهوری دوم	امپراتوری دوم	۱۸۵۲-۱۸۴۸	۴ سال	کودتا
۱۰ امپراتوری دوم	جمهوری سوم	۱۸۷۰-۱۸۵۲	۱۸ سال	شکست نظامی
۱۱ جمهوری سوم	ویشی	۱۹۴۰-۱۸۷۰	۷۰ سال	شکست نظامی
۱۲ ویشی	دولت موقت	۱۹۴۴-۱۹۴۰	۴ سال	آزادی
۱۳ دولت موقت	جمهوری چهارم	۱۹۴۶-۱۹۴۴	۲ سال	قانون اساسی
۱۴ جمهوری چهارم	جمهوری پنجم	۱۹۵۸-۱۹۴۶	۱۲ سال	بحران الجزایر
۱۵ جمهوری پنجم		...-۱۹۵۸	+۶۶ سال	ادامه‌دار

۲.۱.۱ مقایسه پنج جمهوری

جدول ۲.۱: مقایسه تفصیلی پنج جمهوری فرانسه

ویژگی	جمهوری اول	جمهوری دوم	جمهوری سوم	جمهوری چهارم	جمهوری پنجم
دوره	۱۷۹۹-۱۷۹۲	۱۸۵۲-۱۸۴۸	۱۹۴۰-۱۸۷۰	۱۹۵۸-۱۹۴۶	۱۹۵۸-...
مدت	۷ سال	۴ سال	۷۰ سال	۱۲ سال	+۶۶ سال
زایش	سقوط سلطنت	انقلاب ۱۸۴۸	شکست سدان	آزادی	بحران الجزایر
پایان	کودتای ناپلئون	کودتای لویی-ناپلئون	شکست ۱۹۴۰	کودتای ۱۳ مه	ادامه‌دار
قوه مجریه	کمیته‌ها/دیرکتور	رئیس جمهور قوی	رئیس جمهور ضعیف	رئیس جمهور قوی	رئیس جمهور ضعیف
قوه مقننه	کنوانسیون/شوراهای	یک مجلسی	دومجلسی قوی	مجلس ملی قوی	پارلمان محدود
حق رأی	مردان (متغیر)	همگانی مردان	همگانی مردان	همگانی	همگانی
تعداد قوانین اساسی	۳	۱	۳ قانون ۱۸۷۵	۱	۱ (۲۴ اصلاحیه)
بحران اصلی	ترور، جنگ	روزهای ژوئن	دریفوس، جنگ اول	هندوچین، الجزایر	مه ۶۸، الجزایر
میراث	نمادها، ایده‌ها	رأی همگانی	لائیسیته، آموزش	تأمین اجتماعی	ثبتات نهادی

(سال) جمهوری‌ها عمر طول



۳.۱.۱ چرا برخی جمهوری‌ها دوام آوردند؟

پنجم و سوم جمهوری دوام عوامل

سال) (۷۰) سوم جمهوری

سال) (۶۶+) پنجم جمهوری

جایگزین فقدان

قوی رهبری

اجماعی

مستقیم ریاست جمهوری

انعطاف‌پذیری

نهادی ثبات

سخت اساسی قانون بدون

عقلانی پارلمانتاریسم

دفعی ائتلاف

موفق چرخش

مشترک دشمنان علیه

راست و چپ

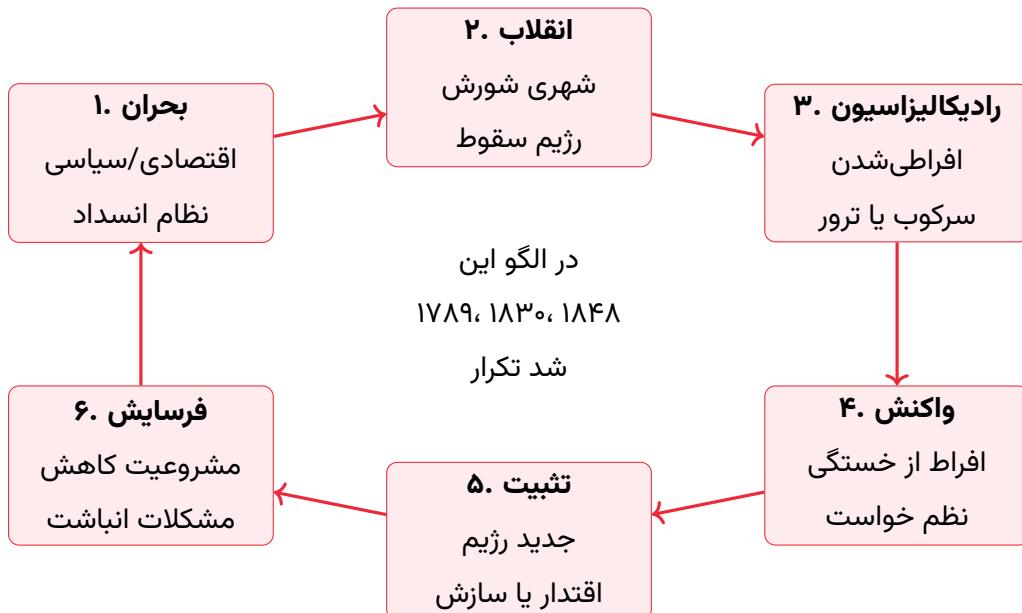
بزرگ بحران‌های از بقا مشترک:

/الجزایر) ۶۸ مه – اول (دریفوس/جنگ

۲.۱ الگوهای تکرارشونده

۱.۲.۱ الگوی انقلاب فرانسوی

فرانسه انقلاب‌های چرخه‌ای الگوی



جدول ۳.۱: مقایسه سه انقلاب بزرگ

جنبه	۱۷۸۹	۱۸۳۰	۱۸۴۸
رژیم ساقط شده	سلطنت مطلقه	بازگشت بوربون	سلطنت ژوئیه
علت مستقیم	بحران مالی + سیاسی	فرمانهای ژوئیه	ممنوعیت ضیافت
بازیگران	بورژوازی + توده	بورژوازی + پیشه‌وران	همه طبقات
مدت درگیری	ماهها	۳ روز	۳ روز
نتیجه فوری	سلطنت مشروطه	سلطنت ژوئیه	جمهوری دوم
نتیجه نهایی	امپراتوری	جمهوری (۱۸۴۸)	امپراتوری دوم
«ربوده شد» توسط	ناپلئون	لویی-فلیپ	لویی-ناپلئون

۲.۲.۱ الگوی «انقلاب ربوده شده»

الگوی تکرارشونده: انقلاب ربوده شده

در هر سه انقلاب بزرگ فرانسه (۱۷۸۹، ۱۸۳۰، ۱۸۴۸)، الگوی مشابهی دیده می‌شود:

۱. کسانی که می‌جنگند ≠ کسانی که پیروز می‌شوند

- ۱۷۸۹: توده‌ها باستیل را گرفتند، بورژوازی قدرت را گرفت
- ۱۸۳۰: کارگران جنگیدند، بانکداران پادشاه انتخاب کردند
- ۱۸۴۸: مردم جمهوری خواستند، ناپلئون امپراتور شد

۲. «میانه‌روها» در لحظه بحرانی ابتکار را می‌گیرند

• لافایت (۱۷۸۹)

• تییر (۱۸۳۰)

• لامارتین (۱۸۴۸)

۳. ترس از «افرات» به واکنش می‌انجامد

• ترس از ترور ناپلئون

• ترس از جمهوری لویی-فیلیپ

• ترس از سوسیالیسم لویی-ناپلئون

۳.۲.۱ الگوی «شکست نظامی = تغییر رژیم»

جدول ۴.۱: شکست‌های نظامی و تغییر رژیم

سال	شکست	رژیم ساقط شده	رژیم جدید
۱۸۱۴	لایپزیگ، پاریس	امپراتوری اول	باگشت بوربون
۱۸۱۵	واترلو	صد روز	باگشت دوم
۱۸۷۰	سدان	امپراتوری دوم	جمهوری سوم
۱۹۴۰	شکست ۶ هفته‌ای	جمهوری سوم	ویشی

نکته:

شکست نظامی تنها در صورتی به تغییر رژیم می‌انجامد که:

• رژیم مشروعیت خود را از قدرت نظامی یا افتخار ملی بگیرد (امپراتوری‌ها)

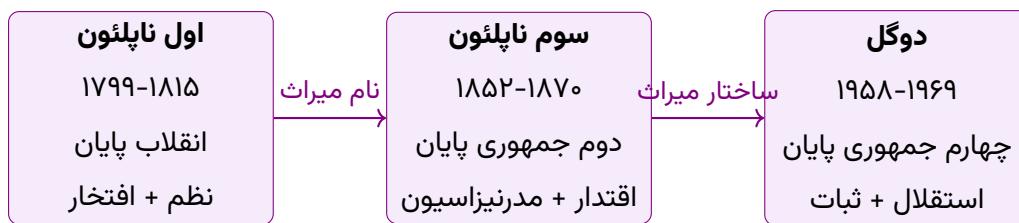
• جایگزینی آماده باشد

• شکست «تحقیرآمیز» تلقی شود

جمهوری سوم جنگ جهانی اول را با تلفات هولناک برد و بقا یافت—اما شکست سریع ۱۹۴۰ آن را نابود کرد.

۴.۲.۱ الگوی «مرد قوی»

فرانسه تاریخ در قوی» «مرد الگوی



مشترک: الگوی

فرد به قدرت واگذاری «نجات‌دهنده» خواست بحران
احزاب» از «فراتر + مشروعیت‌بخش همه‌پرسی‌های + قدرت تمرکز

۵.۲.۱ الگوی «پاریس در برابر شهرستان»

جدول ۵.۱: تنیش پاریس-شهرستان در رویدادهای کلیدی

شهرستان	پاریس	رویداد
مقاآمت (واندی، فدرالیسم)	انقلابی، رادیکال	۱۷۹۴-۱۷۸۹
محافظه‌کار، رأی به لویی-ناپلئون	جمهوری‌خواه، سوسیالیست	۱۸۴۸
ارتتش ورسای	کمون	۱۸۷۱
ویشی	اشغال شده	۱۹۴۰
جلیقه‌زدها	ماکرونیست	۲۰۱۸

«پاریس انقلاب می‌کند، شهرستان‌ها رأی می‌دهند.»

– ضربالمثل سیاسی فرانسوی

۳.۱ مقایسه با کشورهای دیگر

۱.۳.۱ فرانسه در برابر انگلستان

انگلستان و فرانسه مسیر: دو

فرانسه	انگلستان
پیاپی انقلاب‌های	تدریجی تحول
گذشته با گستالت	گذشته با تداوم
ایدئولوژی محور	عملگرا
رژیم ۱۵	۱۶۸۹ (از پارلمان همان)
سلطنت vs جمهوری	دموکراسی + سلطنت

داشت را ۱۶۸۸ «شکوهمند» انقلاب انگلستان **کلیدی: تفاوت**

نداشت کرد—فرانسه نهادینه را اشرافیت-بورژوازی سازش که

جدول ۶.۱: مقایسه تفصیلی فرانسه و انگلستان

انگلستان	فرانسه	جنبه
۱۶۸۸ – «شکوهمند»، بدون خوبیزی	۱۷۸۹ – رادیکال، خشونت‌آمیز	انقلاب اصلی
تبعید جیمز دوم	اعدام لویی شانزدهم	سرنوشت پادشاه
نامدوں، تکاملی	مدون، متعدد	قانون اساسی
ادغام تدریجی با بورژوازی	لغو امتیازات، انقلاب ضد آن	اشرافیت
کلیسای دولتی، سازش	جادی (۱۹۰۵)، ضدکلریکالیسم	کلیسا
تجربی، تاریخی، طبقاتی	انتزاعی، حقوقی، برابر	مفهوم شهروندی
محدود، غیر مرکز (تا ۱۹۴۵)	قوی، مرکز	نقش دولت
ثبات طولانی، تحول تدریجی	بی‌ثباتی طولانی، سپس ثبات	نتیجه

۲.۳.۱ فرانسه در برابر آلمان

جدول ۷.۱: مقایسه مسیرهای فرانسه و آلمان

آلمان	فرانسه	جنبه
دیرهنگام (۱۸۷۱)	زودهنگام (قرن‌ها پیش)	وحدت ملی
شکست	موفق (موقعی)	انقلاب ۱۸۴۸
از شکست (۱۹۱۸، ۱۹۴۵)	از انقلاب (+۱۷۸۹)	دموکراسی
نازیسم (بومی)	ویشی (تحمیلی/همکاری)	فاشیسم
پارلمانی فدرال	ریاستی-پارلمانی	نظام فعلی
ارزش منفی (تجربه هیتلر)	ارزش مثبت (دوگل)	رهبری قوی

پارادوکس فرانسه-آلمان:

فرانسه که انقلاب دموکراتیک داشت، ۱۵ رژیم عوض کرد. آلمان که انقلاب ۱۸۴۸ را شکست داد و به فاشیسم افتاد، امروز دموکراسی پایداری دارد.
درس: مسیر رسیدن به دموکراسی، نتیجه نهایی را تعیین نمی‌کند.

۳.۳.۱ فرانسه در برابر ایالات متحده

جدول ۸.۱: مقایسه دو انقلاب: فرانسه و آمریکا

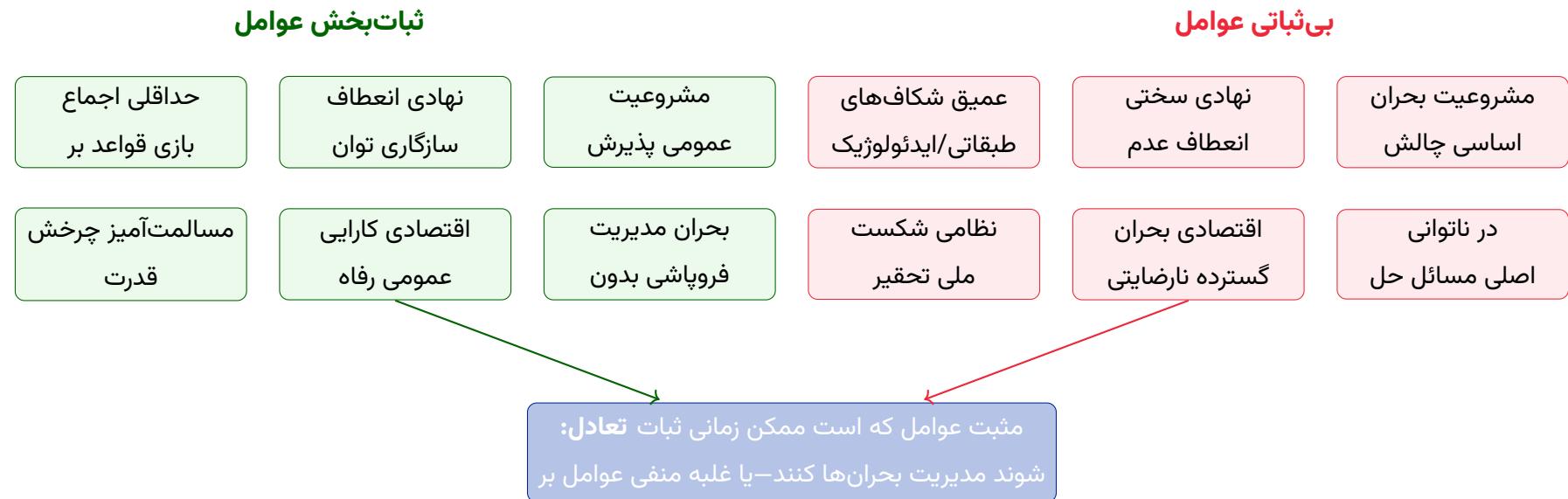
جنبه	قانون اساسی	دشمن	هدف
خشوونت	متعدد، ناپایدار	رژیم قدیم داخلی	تغییر جامعه موجود
تمرز	ضدکلریکالیسم، لائیسیته	ترور، جنگ داخلی	ایجاد جامعه جدید
مذهب	دولت متمرکز	قدرت استعماری خارجی	آنگ استقلال
میراث	ایدئولوژیک، جهانی	یکی، پایدار (۱۷۸۷)	آزادی مذهبی، تکثر فدرالیسم

«انقلاب آمریکا محافظه‌کارانه بود—حفظ حقوق موجود. انقلاب فرانسه رادیکال بود—ایجاد انسان و جامعه جدید.»

— هانا آرنت، «درباره انقلاب»

۴.۱ نقشه مفهومی: عوامل ثبات و بی‌ثباتی

فرانسه رژیم‌های بی‌ثباتی و ثبات عوامل



۵.۱ «استثنای فرانسوی» چیست؟

استثنای فرانسوی (Exception française)

برخی ویژگی‌هایی که فرانسه را از دیگر دموکراسی‌های غربی متمایز می‌کند:

۱. میراث انقلابی:

- ۰ انقلاب ۱۷۸۹ به عنوان «مبدأ تاریخ»
- ۰ حق شورش در فرهنگ سیاسی
- ۰ تقدس‌زادایی رادیکال از سلطنت

۲. لائیسیتیه:

- ۰ جدایی سخت‌گیرانه دین و دولت
- ۰ متفاوت از سکولاریسم آمریکایی یا انگلیسی
- ۰ دین = امر خصوصی

۳. دولت متمرکز:

- ۰ سنت دولت قوی از قرن هفدهم
- ۰ ژاکوبینیسم: دولت = ملت
- ۰ مقاومت در برابر فدرالیسم

۴. ایدئولوژی محوری:

- ۰ تفکر انتزاعی، اصول کلی
- ۰ «چپ» و «راست» اختراع فرانسوی است
- ۰ روشنفکران در سیاست

۵. فرهنگ تظاهرات:

- ۰ اعتصاب و تظاهرات = ابزار عادی سیاست
- ۰ نه فقط انتخابات
- ۰ «خیابان» به عنوان بازیگر سیاسی

«دیگر کشورها تاریخ دارند؛ فرانسه ایدئولوژی دارد.»

— سخن منسوب به ناپلئون

۶.۱ جمع‌بندی: درس‌های تاریخ فرانسه

جمع‌بندی: درس‌های تحلیل تطبیقی
درس‌های درونی (از تاریخ فرانسه):

- ثبات نهادی نیازمند اجماع حداقلی است
- انعطاف‌پذیری بهتر از سختی است (جمهوری سوم vs دوم)
- «مرد قوی» می‌تواند ثبات بیاورد، اما با ریسک اقتدارگرایی
- شکست نظامی می‌تواند رژیم را بیندازد
- انقلاب‌ها اغلب «ربوده» می‌شوند

درس‌های بیرونی (از مقایسه):

- تحول تدریجی (انگلستان) پایدارتر از انقلاب رادیکال است
- مسیر رسیدن به دموکراسی، سرنوشت نهایی را تعیین نمی‌کند
- قانون اساسی نوشته ≠ ثبات (فرانسه vs آمریکا)
- هر کشور مسیر خاص خود را دارد

پرسش باقیمانده:

آیا جمهوری پنجم «پایان تاریخ» فرانسه است؟ یا باز هم چرخه تکرار خواهد شد؟

منابع فصل

- .۱۹۶۳ Viking, York: New Revolution. On Hannah. Arendt, •
Cam- Brittany. in Organization Rural Politics: against Peasants Suzanne. Berger, •
.۱۹۷۲ UP, Harvard bridge:
UP, Cambridge Cambridge: Revolution. French the Interpreting François. Furet, •
.۱۹۸۱
.۱۹۶۳ UP, Harvard Cambridge: France. of Search In al. et Stanley, Hoffmann, •
.۲۰۱۲ UP, Yale Haven: New ed. ndr Democracy. of Patterns Arend. Lijphart, •
Beacon, Boston: Democracy. and Dictatorship of Origins Social Barrington. Moore, •
.۱۹۶۶
Rev- the since France in Society Civil Liberty: of Demands The Pierre. Rosanvallon, •
.۲۰۰۷ UP, Harvard Cambridge: olution.
.۱۹۷۹ UP, Cambridge Cambridge: Revolutions. Social and States Theda. Skocpol, •

- Gilbert, Stuart Trans. Revolution. the and Regime Old The de. Alexis Tocqueville, •
. ١٩٥٥ Anchor, York: New
- ١٨٧٠ France, Rural of Modernization The Frenchmen: into Peasants Eugen. Weber, •
. ١٩٧٦ UP, Stanford Stanford: . ١٩١٤